هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و پنجم ۱۸جدی ۱۳۸۹ ۲ صفر المظفر ۱٤۳۲ - 8 Jan 2011

سرمقاله

قانون باید ضمانت اجرایی داشته باشد

ص۲

پاکستان ته د سولې د عالي شورا د پلاوي سفر او لاسته راوړني يې

۵مخ

استاد برهان الدین ربانی در هفتمین سال همایش تصویب قانون اساسی:

اگر به قوانین عمل نشود تمرد و عصیان صورت می گیرد

در نظام اسلامی خلیفه، عین حیثیت را دارد که فرد عادی جامعه دارد، در برابر قانون همان جایگاهی را که خلیفه دارد یک شهروند هم دارد، در برابر قضا نیز هر دو یکسان است.

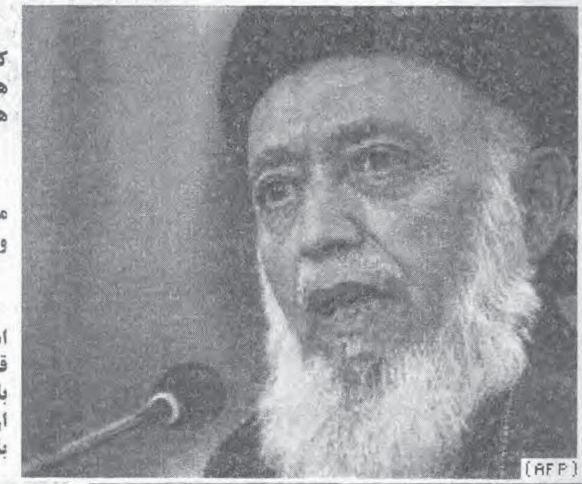
***

این قانون اساسی است که برای دولتمردان مشروعیت می بخشد و برای مردم حقوق و وجائب شان را توضیح می کند.

***

از زمانی که دولت در اسلام تأسیس شده است دولت مدنی می باشد، و به عین شکل قوانین اساسی نه تنها در کشور های اسلامی بلکه در کشورهای غیر اسلامی برگیرنده از ارزش های ملی، فرهنگی و تاریخی شان می باشد.

ص۳


(AFP)

هیأت شورای عالی صلح، سفر خود را به پاکستان پردست آورد خواندند

استاد برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح در رأس یک هیأت ۱۵ نفری، روز سه شنبه گذشته وارد اسلام آباد شد و با یوسف رضا گیلانی صدراعظم پاکستان، جنرال اشفاق کیانی رئیس ستاد ارتش (لوی درستیز) این کشور و والی ایالت خیبر پشتونخوا (ویس احمدغنی) ملاقات کرد.

عبدالباسط سخنگوی وزارت خارجهٔ پاکستان گفت که استاد ربانی قرار است روز شنبه قبل از عودت به کابل با آصف علی زرداری رییس جمهور پاکستان ملاقات کند

یک روز پیش، این هیأت در پاکستان اعلام نموده اند که به هدف جلب حمایت پاکستان از تلاش های صلح با طالبان به اسلام آباد سفر کرده، دربارهٔ تدویر جرگهٔ صلح بین دو کشور با حکومت پاکستان به توافق دست یافته اند. ص۵

افغانستان و چالش های سال جدید میلادی

وحید مژده

سال ۲۰۱۰ به پایان رسید. سالی که برای افغانستان و نیروهای خارجی مستقر در این کشور سالی مملو از چالش ها و مشحون از دشواری ها بود.

اکنون سوال اینست که آیا می توان سال جدید را سالی بهتر از سال پار دانست؟ معمولا در اوایل هرسال، غیب گویان به پیشبینی هایی می پردازند که مثلا فلان رهبر چشم از جهان خواهد پوشید و در فلان کشور عوامل طبیعی چون سیل و یا زلزله مصیبت به بار خواهد آورد. اما کار کسی که می خواهد وقایع سیاسی را به شکلی پیشبینی نماید، متکی به حرکت ستاره ها و رمل و اسطرلاب نیست بلکه این وقایع را می توان با نگاهی به آنچه که در سال گذشته به وقوع پیوست پیشبینی کرد. زیرا وقایع هرسال تاحد زیادی به وقایع سال قبل خود رابطه دارد.

همانگونه که شاهد بودیم در اواخر جنوری سال ۲۰۱۰ باراک اوباما استراتژی جدیدی را در مورد افغانستان اعلام داشت. وی که در جریان مبارزات انتخاباتی خویش وعده داده بود نیروهای امریکایی را از عراق خارج نموده و به افغانستان می فرستد، این وعدهٔ خود را با اعزام سی هزار سرباز به افغانستان عملی کرد اما اوباما سال ۲۰۱۱ را سال آغاز خروج تدریجی قوای امریکایی و سپردن مسوولیت های بیشتر به نیروهای نظامی افغان اعلام داشت. این اعلام خروج به شدت جنگ ها افزود و تحلیلگران به این باور اند که اعلام آغاز خروج موجب تقویت روحیهٔ مخالفین مسلح دولت خواهد شد.

سال ۲۰۱۱ برای افغانستان با بازنگری قصر سفید در مورد همین استراتژی آغاز شد و اوباما در مورد کارکرد آن ابراز خوشبینی نمود. این در حالیست که بسیاری از تحلیلگران امور نظامی حتی در داخل امریکا نیز با اوباما و فرماندهان ص۲

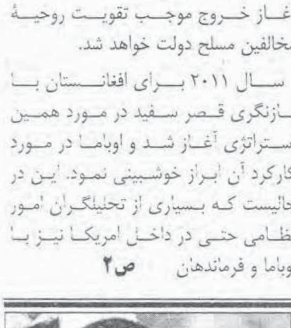
نقض قانون اساسی از سوی حاکمیت، مصؤنیت سیاسی و اجتماعی مردم را به خطر مواجه ساخته است

نذرالله عنایت

هفت سال پیش از امروز قانون اساسی کشور در چهاردهم جدی سال ۱۳۸۲ تصویب گردید.

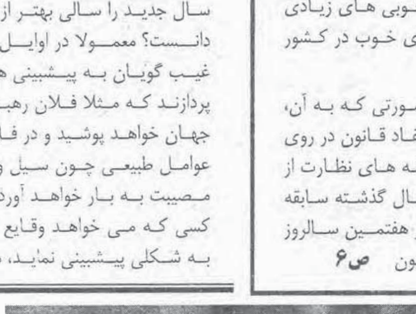
کشوری که سال ها رنج بی قانونی، انارشی و یا قانون شکنی را تجربه کرده بود، تصویب قانون اساسی روزنهٔ امید و گامی به سوی نهادینه سازی دموکراسی و مردم سالاری در کشور محسوب می شد. با آن که قانون اساسی عاری از اشکالات و نواقص نبود، درکل این قانون خوبی های زیادی دارد که از نظر اهل خبره یکی از مدل های خوب در کشور های منطقه محسوب می شود.

هرچند قوانین خوب داشته باشیم اما در صورتی که به آن، مجریان قانون و شهروندان عمل نکنند، مفاد قانون در روی کاغذ برای مردم فایده ای ندارد. با دغدغه های نظارت از قانون اساسی در یک عمل که طی شش سال گذشته سابقه نداشت مراسمی به منا سبت تجلیل از هفتمین سالروز تصویب قانون اساسی افغانستان، از سوی کمیسیون ص۶



کودکان کشور از مادر شریر به دنیا نیامده اند، بلکه نا برابری های اجتماعی آن ها را به هر سو می کشاند

ص۷



به پیشباز

ص۳

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به سمت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهی
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

قانون باید ضمانت اجرایی داشته باشد

هفت سال از تصویب قانون اساسی در کشورما می گذرد. این قانون که دارای ۱۲ فصل و ۱٦۲ ماده است ، کار آن به تاریخ ۲۲ قوس آغاز و به تاریخ ١٤ جدی سال ۱۳۸۲ خورشیدی از سوی نمایندگان مردم در خیمهٔ لویه جرگه در کابل بعد از بحث و مناقشه زیاد به تصویب رسید و سپس به تاریخ ٦ دلو همان سال از سوی رئیس جمهور کرزی توشیح شد.

این قانون قبل از آن، توسط کمیسیون های تسوید و تدقیق تهیه شده بود. در جریان تصویب قانون اساسی و بعد از توشیح آن توسط رئیس جمهور، برخی از نمایندگان مجلس تصویب قانون اساسی، ادعا داشتند که دستبردهایی در برخی ماده های آن از جانب حکومت صورت گرفته است.

در شش سال گذشته، یادوبودی از سالگرد قانون اساسی در کشور گرفته نشده بود، امسال این همایش از طرف کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی - که یک سال قبل تأسیس شده بود - برگزار شد.

وضع قانون و مقررات در یک جامعه، باعث آن می شود تا شهروندان آن جامعه با پیروی از قانون حقوق و وجایب شان را در پرتو آن بشناسند و این قانون است که بر دولت مردان مشروعیت می بخشد، به شرط آن که قانون ضمانت اجرایی داشته باشد و مجریان قانون، آن را به نفع خود زیر پا نکنند.

هرگاه قانون در یک کشور رعایت شود و بدون تبعیض و قوم و قبیله و جایگاه وظیفه، بالای همه شهروندان یکسان تطبیق گردد، مردم و زعامت جامعه بدون درنظرداشت نفع و ضرر به آن عمل نمایند، آنجاست که ضامن پیشرفت، ترقی، توسعه، آبادانی و وحدت ملی در کشور خواهد شد.

از قانون شکنی هایی در سطوح پائین اگر بگذریم، بعد از تصویب قانون اساسی که هفت سال از آن می گذرد، مردم ما شاهد نقض های کلانی در این قانون از جانب دولتمردان کشور می باشند که آنهم فقط روی منافع شان استوار بوده است. در حالی که در مادهٔ ٦٤ بند یک قانون اساسی، «مراقبت از اجرای قانون اساسی» را از صلاحیت ها و وظایف رئیس جمهور دانسته است.

وحید مژده

افغانستان و چالش های سال جدید میلادی



ادامه از صفحهٔ اول

نظامی امریکا در افغانستان در این مورد اتفاق نظر ندارند.

بنا براین می توان گفت که در سال ۲۰۱۱ عملیات نظامی امریکا در افغانستان شدت بیشتر خواهد گرفت و در عین حال طالبان نیز تلاش خواهند کرد تا مناطق بیشتری را تحت کنترول خود درآورند. در این میان با بلند رفتن تلفات غیرنظامیان، اختلاف میان حکومت افغانستان و نیروهای خارجی ادامه خواهد یافت.

بعضی از تحلیلگران سیاسی به این باور اند که امریکا در خروج نیروهای خویش از افغانستان جدی نیست و این اقدام امریکا را سمبولیک و مربوط به انکشاف اوضاع افغانستان می دانند اما باب ودوردز خبرنگار مشهور امریکایی در کتاب خویش جنگ های اوباما می نویسد که اوباما در همان آغاز تدوین استراتژی جدید برای افغانستان، نسبت به پیروزی در این جنگ خوشبین نبود و حتی از همان آغاز تمایل به خروج نیروها از افغانستان داشت اما با مخالفت مشاورین نظامی خود مواجه شد.

از جانب دیگر وضع نابسامان اقتصادی در امریکا نیز موجب می شود تا جنگ افغانستان از حمایت کمتری در میان رای دهنده های امریکایی برخوردار باشد.

جنگی که همه ساله بیش از یکصد میلیارد دالر مصرف بر اقتصاد بیمار امریکا تحمیل می کند، نمی تواند بیش از این در آن کشور طرفدار داشته باشد. اگر دیموکرات ها قصد داشته باشند تا در دورهٔ بعد هم به قصر سفید راه یابند، راهی جز جلب نظر مردم امریکا ندارند و این کار جز با کمتر کردن بار جنگ افغانستان از دوش اقتصاد امریکا ممکن نیست.

کمک های امریکا به بازسازی در داخل افغانستان نیز قادر به بهبود وضع اقتصادی مردم نشد در حالی که تحلیلگران وضع در امریکا بارها به این نکته تاکید کرده بودند که بدون بهبود در وضع اقتصادی مردم افغانستان نمی توان از ناامنی ها کاست. در اواخر سال ۲۰۱۰ رئیس بازرسان امریکا در بازسازی افغانستان از ضایع شدن میلیارد ها دالر پول که به بازسازی این کشور جنگ زده اختصاص داده شده بود پرده برداشت.

اما دولت افغانستان نیز در سال جاری میلادی به مشکلات سیاسی مواجه خواهد بود. پارلمان جدید چالش های جدیدی را به میان خواهد آورد و احتمال اینکه وزرای پیشنهادی رئیس جمهور بتوانند رای تائید وکلای پارلمان را به دست آورند کمتر خواهد شد. تجربه نشان داده کابینه یی که مطیع اوامر رئیس جمهور نباشد با وی مشکل خواهد داشت.

اگر حکومت افغانستان بحران ناشی از انتخابات اخیر را به صورت درست مدیریت نکند، این بحران سیاسی می تواند به یک بحران قومی مبدل گردد که از آن مخالفین مسلح دولت بیش از دیگران بهره خواهند برد و کشور ناامن تر خواهد شد.

از نظر امنیتی نیز سال جدید را نمی توان بهتر از سال پار پیشبینی کرد. هرچند نیروهای خارجی مصمم اند تا به عملیات رزمی شان حتی در طول زمستان هم ادامه دهند اما طالبان هم بیکار نخواهند نشست. به نظر می رسد که طالبان از اواخر سال ۲۰۱۰ در تاکتیک های رزمی خود تغییراتی وارد کرده و از حملات انتحاری به شیوهٔ انفجاری کاسته اند. اکنون انتحاری ها با اسلحه دست به حمله می زنند و تا دم مرگ می جنگند. هرچند ناتو کاهش عملیات مخالفین مسلح در هفته های اخیر را ناشی از عملیات قندهار و تلفات نیروهای مخالف در مناطق مختلف افغانستان می داند اما باید در نظر داشت که سردی هوا به صورت عنعنوی از عوامل مهم موثر در عملیات جنگی مخالفین است. همانگونه که نظامیان خارجی نیز تذکر داده اند، ضعف طالبان تا گرم شدن هوا در سال جاری مشخص نخواهد شد.

در سال جاری امریکا از افغانستان تقاضای امضای یک قرارداد طویل المدت استراتژیک را دارد. از همین اکنون بعضی از سناتوران امریکایی در سفر به افغانستان از ضرورت داشتن پایگاه های دایمی برای امریکا در خاک افغانستان سخن گفته اند. احتمال زیاد وجود دارد که این مسئله امسال به صورت یک درخواست رسمی از جانب امریکا مطرح شود.

طرح این مسئلهٔ حساس می تواند موجب اختلاف میان مردم افغانستان گردد و در عین حال کشور های همسایه و منطقه را نیز در مورد قضیهٔ افغانستان بیش از پیش حساس سازد. این مسئله می تواند به تقویت انگیزه های جنگ و ناامنی کمک کند.

بعضی ها به این باور اند که وجود چنین پایگاه ها برای کشوری چون افغانستان می تواند یک تضمین امنیتی باشد و به خصوص اینکه همسایه های ما که چشم طمع به افغانستان دوخته اند، این پایگاه ها می تواند به شکل یک نیروی بازدارنده عمل کند. این تصور کاملا اشتباه است. زیرا پایگاه خارجی به منظور دفاع از کشور میزبان به میان نمی آید. در جنگ میان هند و پاکستان، پایگاه امریکا در خاک پاکستان در این جنگ بی طرف باقی ماند و پاکستان تجزیه گردید.

در تلاش برای تامین صلح در افغانستان شورای عالی صلح نخستین قدم به منظور ایجاد رابطه با طالبان را از سفر به پاکستان آغاز کرد و توانست لااقل با نمایندگان حزب اسلامی به صورت مستقیم وارد مذاکره گردد.

این شورا نامه ای به رهبران طالبان هم با خود برده است که امیدوار است به دست آنان برسد. ملاقات هیئت شورای عالی صلح با جنرال اشفاق کیانی لوی درستیز و جنرال پاچا رئیس سازمان استخبارات نظامی پاکستان می تواند یک تحول مهم برای تلاش های صلح در افغانستان در سال ۲۰۱۱ تلقی گردد.

اما مهمترین موضوع در رابطه با سال ۲۰۱۱ آغاز خروج نیروهای خارجی از افغانستان است که با سپردن مسوولیت های امنیتی در بعضی از مناطق به نیروهای نظامی و انتظامی افغانستان آغاز خواهد شد. هرچند خیلی از صاحبنظران در مورد توان نیروهای افغان برای گرفتن چنین مسوولیت خطیر در شرایط فعلی ابراز تردید کرده اند. اما مسوولین وزارت دفاع افغانستان در این رابطه کاملا ابراز آمادگی می کنند و می گویند که در این مورد مشکلی ندارند.

به گفتهٔ مسوولین وزارت دفاع افغانستان، ۶۰ درصد از سربازانی که سال گذشته در اردوی ملی خدمت کردند، امسال دوباره به تجدید قرارداد پرداختند و این به معنی بهتر شدن ظرفیت اردوی ملی افغانستان است.

از نظر اقتصادی سال ۲۰۱۱ برای افغانستان با موانع ترانزیتی از جانب کشور های پاکستان و ایران آغاز شد که می تواند به وقفه ها ادامه یابد. این مسئله می تواند تاثیرات طویل المدت بر زندگی مردم عادی افغانستان داشته باشد.

در مجموع می توان گفت که سال ۲۰۱۱ سال پرچالش برای افغانستان خواهد بود و دورنمای صلح در این کشور بحران زده همچنان مغشوش باقی خواهد ماند.

استاد برهان الدین ربانی در هفتمین سال همایش تصویب قانون اساسی:

اگر به قوانین عمل نشود تمرد و عصیان صورت می گیرد

الحمد لله والسلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد:

برادر ان و خواهران!

السلام علیکم ورحمه الله و برکاته

امروز در هفتمین سالروز تجلیل از قانون اساسی کشور قرارداریم، هفت سال پیش در یک میثاق ملی در لویه جرگهٔ تاریخی، قانون اساسی تصویب شد. معمولا قوانین اساسی عبارت از یک سلسله قواعد اساسی می باشد که سطح روابط دولت، حدود صلاحیت ها و مسوولیت ها را در برابر مردم تنظیم می کند. البته در طول تاریخ قوانین زیادی را بشریت در تمدن ها و فرهنگ های مختلف به منظور تنظیم امور ساخته اند که دیگر قوانین و لوایح نهادهای گوناگون با روحیهٔ قانون مادر، یعنی قانون اساسی ساخته شده است.

معمولا قوانین اساسی قوانین مقطعی نیستند، گرچه تعدیل پذیر است، اما بیشتر قرار برین است که قوانین اساسی عمر طولانی تر داشته باشد.

قانون اساسی است که برای دولتمردان مشروعیت می بخشد و برای مردم حقوق و وجائب شان را توضیح می کند.

مسوولیت دولت در برابر مردم و حقوق و وجائب مردم را در برابر دولت تنظیم می کند، نظام های اقتصادی استراتیژی های سیاسی، روابط ملی و بین المللی و دیگر قضایا در قوانین اساسی مد نظر گرفته می شود.

معمولا قوانین اساسی با عبارت کوتاه اما جامع تدوین می شودکه بعدها شرح و تفصیل برای آن ساخته می شود.

سوال این جاست که در کشور های مسلمان، در حالی که قرآن قانون اساسی ماست جایگاه قانون اساسی درکجاست؟ آیا قوانین اساسی که توسط مردم یا نمایندگان آنها تنظیم می شود، در برابر احکام قرآن و سنت پیامبر چه جایگاهی دارد؟ این سوال را برای ما سیرت و روش های پیامبر گرامی خود جواب می دهد.

قرآن و سنت پیامبر در حیات ایشان جامع ترین قانون بود، اما پیامبر وثیقه یی را به نام میثاق مدینه تدوین می کند، این میثاق ۴۷ بند دارد، در آن نظام دولت حقوق شهروند ها همه تشریح شده است

تمام کسانی را که در مدینه هستند اعم از مهاجر و انصار در این میثاق پیامبر صلی الله علیه وسلم امت واحد می خواند.

همچنان یهودی هایی که در آن جا هستند مانند بنی عوف و سایر گروه ها، پیامبر آنها را نیز در میثاق مدینه جزء امت خوانده است. اگر در دین شریک نیستند اما در حقوق شهروندی شریک هستند همان حقوقی را که یک مسلمان در برابر دولت یا دولت در برابرآن دارد، عین همان حقوق را یک شهروند غیر مسلمان در حکومت اسلامی دارد. حقوق شهروندی که در جامعهٔ مدنی امروز، به زعم برخی ها به عنوان یک ابتکار تمدن جدید است، در نزد ما مسلمان ها از قدیم به عنوان یک ارزش وجود داشته است.

در این جا من می خواهم به یک موضوع اشاره کنم و آن این که، یک مسئله پیش برخی ها مبهم است،که آیا نظام سیاسی در اسلام یک نظام تیوکراسی است و آیا در این نظام زعیم یک موجود مقدس و تمام حرف هایش باید قبول شود؟ نه خیر! اصلاً در اسلام نظام سیاسی مدنی است مگر با مرجعیت شرعی!

در نظام اسلامی خلیفه، عین حیثیت را دارد که فرد عادی جامعه دارد، در برابر قانون همان جایگاهی را که خلیفه دارد یک شهروند هم دارد، در برابر قضا نیز هر دو یکسان است.

حضرت علی خلیفه است اما یهودی برضد خلیفه دعوا می کند که زره از من است، در حالی که زره مربوط به حضرت علی می باشد، اما قاضی شریح هر دو را یک جا در محضر می خواهد و قاضی به نفع یهودی فیصله می کند، یهودی که عدالت را می بیند مسلمان می شود و می گوید واقعاً زره از علی است و در یکی از جنگ ها فراموش مانده بود و من آن را گرفتم.

پس نظام سیاسی اسلام یک نظام مدنی با مرجعیت شرعی می باشد، به این اساس این تیوکراسی که در نظام های قرون وسطایی در غرب وجود داشت و منجر به این شد که غرب بر ضد کلیسا و پادشاهانی که خود را مقدس می دانستند بشورد. انقلابی ها اعلان کردند که آخرین پادشاه را به رودهٔ آخرین کشیش به دار بزنیم، اما در اسلام چنین دیدی جای ندارد.

از زمانی که دولت در اسلام تأسیس شده است دولت مدنی می باشد، و به عین شکل قوانین اساسی نه تنها در کشور های اسلامی بلکه در کشورهای غیر اسلامی برگیرنده از ارزش های ملی، فرهنگی و تاریخی شان اقتباس شده است.

در کشورهای پیشرفته که روابط خود را به آسمان قطع کردند، رابطه خود را با خدا قطع کردند وگفتند که "مالقیصر لقیصر و ما لله لله" در این کشورها نیز قوانین اساسی شان برگرفته شده از ارزش های مشترک شان می باشد که درآن مصالح ملی شان نهفته است.

حتی دیده شده است در برخی از موارد از جمله پوشیدن روسری که در برخی از کشورها ممانعت صورت می گیرد دلیل شان این است که می گویند در فرهنگ ما نیست در حالی که قوانین اساسی شان آزادی های فردی را ضمانت نموده است.

مادهٔ سوم قانون اساسی که گفته است، هیچ قانونی مخالف به ارزش های دینی بوده نمی تواند در کشور های اسلامی یک امر طبیعی، منطقی و معقول می باشد. زیرا قانون برای مردم ساخته می شود، باید اراده مردم مد نظر گرفته شود، برای یک ملت متدین هیچ گاهی نباید قانونی ساخته شود که در مخالفت به ارزش های دینی و بومی آنها بوده باشد.

در برابر برخی از مفاهیم، غلط فهمی هایی صورت می گیرد، به طور مثال، برخی ها دموکراسی را قرین کفر می دانند، در حالی که اسلام این را نگفته است، تنها مطالبی که با ارزش های دینی ما در تعارض باشد نمی پذیریم. دموکراسی ها در تمام دنیا به یک شکل نیستند، دموکراسی به اساس شرایط هر کشور ساخته شده است. راجع به لیبرال دموکراسی امروزی نیز انتقادهای شدیدی از طرف خود غربی ها وجود دارد که نتوانسته آرزوهای مردم را برآورده سازد.

به قول "چرچل" که می گوید: " نظام دموکراسی به طور قطع درست نیست اما چاره ای نداریم" چون یگانه انتخاب آنها است. اما ما می گوئیم که در دین، ما چیز هایی داریم که دیگران از آن اقتباس بکنند، به این اساس دین هیچ گاهی مردم سالاری را رد نکرده است.

بلکه دین اساسش بر مبنایی مردم سالاری استوار است، حتی در بعضی وقت چند نفر می گفتند فلانی خلیفهٔ مسلمانان است، خلفایی بزرگوار قبول نمی کردند تا این که، این خبر در محضر عام اعلام می شد و تعداد آرای بیشتر مردم در نهایت تعیین کننده بود. به این اساس نظامی اسلامی کاملاً مردم سالار است در قانون اساسی ما از زعامت سیاسی گرفته تا نمایندهٔ مردم در پارلمان از طریق انتخابات آزاد و مستقل برگزیده می شود، در حین حال، حقوق اساسی انسان و مسایل دیگری همه از جمله ارزش های دینی ماست.

متأسفانه زیادی از مردم ارزش های دینی اسلام به خصوص بخش سیاسی آن را در آیینهٔ کلیسای قرون وسطی که در مغرب حاکم است، مطالعه می کنند.

ناگفته نماند تاریخ شاهد است در زمانی که، در مغرب نظام های تاریک قرون وسطی حاکم بود، در مشرق زمین تمدن هایی درخشانی وجود داشت، دانشگاه هایی زیادی در قرطبه، بغداد، بلخ، بخارا، نیشاپور، همه مراکز علم و دانش بودند و شخصیت هایی مانند بیکن که موسس منطق جدید است آمده اند درس ها آموختند. منطق تجربوی که بعد از منطق ارسطویی که برای فعلاً در علم و دانش حاکم است از علمای اصول فقه اسلامی گرفته شده است. چیزی که مهم است این که، به قوانین باید عمل شود هم زعامت ها به او عمل کنند و هم شهروندان عادی افغانستان. اگر به قوانین عمل نشود تمرد و عصیان صورت می گیرد.

هرگاه هم زعامت ها و هم شهروندان به قانون عمل کنند در آن صورت ضامن ثبات و استحکام دولت و ضامن رشد و توسعه در تمام ابعاد زندگی خواهیم بود.

اقول قولی هذا وستغفرالله لی ولکم
ولسائر المسلمین

> **سوال این جاست که در کشور های مسلمان، در حالی که قرآن قانون اساسی ماست جایگاه قانون اساسی درکجاست؟ آیا قوانین اساسی که توسط مردم یا نمایندگان آنها تنظیم می شود، در برابر احکام قرآن و سنت پیامبر چه جایگاهی دارد؟ این سوال را برای ما سیرت و روش های پیامبر گرامی خوب جواب می دهد.**
>
> ***
>
> **قرآن و سنت پیامبر در حیات ایشان جامع ترین قانون بود، اما پیامبر وثیقه یی را به نام میثاق مدینه تدوین می کند، این میثاق ۴۷ بند دارد، در آن نظام دولت حقوق شهروند ها تشریح شده است.**

به پیشباز رهیدگی....!



پیش درآمد:

با طلب پوزش از تاخیر ی که در ادامهٔ بحث :« سیری در قلمرو ادب حماسی» پیش آمد، بنابه در خواست گروهی از شیفتگان آزادی، اینک بزمی تازه می آراییم در فضای گلزار آن جستار، به یاد" آزادی" یا بزرگترین عطیه و موهبتی که به قول منتسکیو هیچ واژه ای به اندازهٔ او ذهن مردم را به خود جلب نکرده است.»

این نبشته، تدوین و پردار آندست از یاد داشت های پراگندهٔ منند که با تمام درد و چشمانی غمبار، آثار یورش ارتش تزار را شاهد بودم واسارت مظلومانهٔ خونین دیار را ...؟

***

<u>دربندغم...:</u>

دیرگاهیست حصار "آلام" و "محن"، زیستگاه من شده است ؛ "رنج"، زندانیست که در آن به زنجیرم کشیده اند.

و"غم"، انیسی شده است که دمی رهایم نمی سازد و اکنون من با او خوکرده ام و این بیت استاد خلیلی:

انیسم آه ویارم درد و شامم اشک و صبحم خون
به خوان زندگی تعظیم مهمان این چنین باید

درتفسیر: زندگانی آدم های حزینی چون من است.

گفتیم: غم؛ خواهند پرسید: چه نوع غم؟

خوبست توضیحاتی هم از آن ارائه شود: که«غم» بردو قسمند؛ چنانچه بیدارگر شرق "اقبال" بر آنست:

غم دو قسم است ای برادر گوش کن
شعلهٔ ما را چراغ هوش کن
یک غم است، آن غم که آدم را خورد
آن غم دیگر که هر غم را خورد
آن غم دیگر که ما را همدم است
جان ما از صحبت اوبی غم است
اندر و هنگامه های غرب و شرق
بحر و در وی جمله موجودات غرق
چون نشمین می کند اندر دلی
دل از و گردد یم بی حاصلی
بندگی از سر جان نا آگهی است
ز آن غم دیگر سرود او تهی است.

<u>درغلامی تن ز جان گردد تهی:</u>

اسیران یا در بند بودگان، اسرار برخی از حالات و رویداد هایی که غم ها را فرو می بلعند، یا به قول اقبال، غم هایی که دیگری را می خورد، آگهی ندارند. زیرا آنها در چنگ اندوهی گرفتارند که آدم را می خورد. اما آزادگان را غم دومی همدم و دمساز است و غمی را که بردگان دارند، برنمی تابند. غم آزادگان صفحه ای از عشرت است و غم مزدوران آگنده از ذلت است ومصیبت و عاری ازلذت.

آزادگان حق دارند به حال مزدوران اظهار تأسف کنند که مزدور برخلاف آزاده، از سوزی برخوردار نیست، تا معنای لذت را دریابد. زیرا دل او، به گونهٔ سیمایش تیره است:

چون دل او تیره، سیمای غلام
پست چون طبعش نوا های غلام
از دل افسردهٔ او سوز رفت
ذوق فردا، لذت امروز رفت

ص۶

پیشینهٔ تاریخی زبان و ادبیات عربی و دری قبل از اسلام

۴

تکساری

طوریکه گفته آمدیم تأثیر زبان و ادب فارسی دری دو دوره نسبت به دوره های دیگر، در میان اعراب بیشتر بوده است، یکی از ین دوره ها عهد ساسانی ها، به ویژه پادشاهی خسرو اول و دوره دوم را تجلی و ظهور اسلام تشکیل می دهد.

در عهد دورهٔ اسلام واژه ها و مصطلحاتی که برای ادای مفاهیم وضع شده بود و در زندگی مدنی مردم این سرزمین کار برد داشته است، به زندگی مدنی عراب راه می یابد؛ زیرا اسلام در زمانی توسط مسلمانان به خراسان می آید که عرب خود را در برابر تمدن جدید مواجه می یابند که در گذشته به آن پیمانه مواجه نگردیده بودند؛ از جمله: به حرفه و پیشه، هنرهای زیبا، سیستم اداره امور کشوری، تدوین و تسجیل دواوین... عربها در یک چنین جو حاکم فرهنگی، به محیط جدید آشنا میشوند و در زنده گی عادی انها، این شیوه زندگی تاثیر فراوان گذاشته است. گفته می شود که تمدن عربی محصول فعالیت های مردمان و نژاد های بیشتر بوده است.

بیشترینه واژه هایی که برای مظاهر تمدن وضع شده و در زنده گی مدنی خراسانی ها معمول بوده است، به زبان عربی راه یافته است، تجلیل از مراسم باستانی، استفاده از لباس های خراسانی در میان اعراب معمول می شود. واژه هایی که مظهر زندگی مدنی را نشان میدهد، در زبان عربی رسوخ بیشتر پیدا میکند؛ مانند: المرزبان (الرئیس)، اسوار (مقابل پیاده)، دفتر، مهندز (مهندس)، الهندسه، مالج (ماله)، برنامج (برنامه)، اصطبل (طویله)، النموذج (نمونه)، البابوسج (پاپوش)، قفس (کفش). (۳۹، باب های: ن، ر، ز، س، ش، ه). به همین گونه نام های عقاقیر، مصطلحات دیوانی و عسکری بعد از فتح پارس به وسیله مسلمانان (۶۳۷ میلادی- ۱۷ هجری) واژه های بیشتر فارسی در زبان عربی جذب و هضم گردید، نفوذ و تاثیر خراسانیان در دوره های نخستین عباسی ها به اوج خود رسید، نباید پنداشت که این اتفاقات یکباره و بی مقدمه شکل گرفته است؛ بلکه این کار یک جریان تدریجی میباشد که از دوره امویان شروع گردیده بود. اعرابی که در مناطق دور از مرکز حکومت می زیستند، به تدریج تفاوت های منی خود را از دست داده و شیوه های زنده گی مردمان بومی همان منطقه را آموختند. موئیر میگوید: «اعراب خراسان، دیگر بیشتر پارسی بودند تا عرب، پدران آنان با زنان پارسی ازدواج نمودند و فرزندان شان بیشتر به فارسی سخن میگفتند تا عربی». شراب مینوشیدند، شلوار می پوشیدند، و جشن های پارسی را بر گزار میکردند. و در همین خراسان بود که باب طغیان علیه امویان بدست ابو مسلم خراسانی باز شد. در حقیقت این سربازان خراسانی بودند که تاج و تخت کیانی را برای عباسیان مهیا کردند. بعد از فتح پارس مسلمانان از خود علاقه یی بیشتری به امور خراسان و تاریخ آن نشان دادند. در بصره یک نسل اصفهانی وجود دارد که سابقه آن به صدر اسلام بر میگردد، در کوفه بقایای سربازان ساسانی وجود دارد که با اعراب پیوسته اند و در صدر اسلام تحت لوای اسلام مجاهدت می نمودند. چهار هزار سر باز ساسانی که تحت قیادت رستم در قادسیه با مسلمانان جنگیدند، تا اینکه سعد بن ابی وقاص به آنها امان داد و زیاد بن ابی گروهی از این سربازان را به کوفه فرستاد. در کوفه سیلی از اهل صنعت و تجار حضور می یافت که این گروه را اسیران جنگی تشکیل میداد که از نژاد فرس بودند و زبان تفاهم میان آنها فارسی بود. در بصره عناصر و نژاد پارسی به حدی بوده است که جای نخستین را در قرن اول هجری احراز کرده بود. طوریکه در بصره مناطق و بنا هائی وجود داشت که بنام اشخاص ختم میشد و این نام ها با «ان» پایان می یافت؛ مثلاً: جعفران، مهلبان که ساخت فارسی را نشان میدهد.

در قوت های نظامی ساسانی که با اعراب پیوسته بودند آثار زبان فارسی در نظام لشکری و قواعد آن باقی مانده است.

به تو ای آزادی!

به تو ای آزادی! آزادی!
به تو ای صاعقه ی شعله فشان!
به تو ای مایه ی فخر و رادی،
به تو ای مظهر روح انسان!
به تو ای پرتو روشنگر شهر!
به تو ای آتش بیکارگران!
به تو ای تاج شرف بوسر شهر!
به تو ای رود خروشان زمان!
از تو با روی جهان خوارانت،
هدف حربه ی پیکار شده ست!
از تو تندیس ستمکارانت؛
بیریخانه نگونسار شده ست!
بر فراز افق تار جهان
شفق سرخ که روییده توای!
اولین صبح امید انسان
آخرین راه ستمدیده توای!
آن مبارز که ساحش برپشت؛
ره ی پیکار شرف پویان است.
آن دلاور که دلش اندر مشت؛
آتش عشق ترا در جان است!
آنکه در راه بیباکتر است؛
خط پیوند تو بنوشته به خون!

واژه ی نام تو چون پاک تراست.
نام تو ورد زبان هاست کون!

باغبان و خزان

رعشه در دست باغبان افتاد
لرزه بر نخل نوجوان افتاد
اضطرابی به بوستان افتاد
باز آوازهٔ خزان افتاد
ارغوان زار زعفران گون شد
دل مسرور باغبان خون شد
دل مرغان باغ را خستند
بلبلان رخت از چمن بستند
پرو بال نشاط بشکستند
در شادی به روی شان بستند
یک یک از آشیان جدا گشتند
زار و محزون و بینوا گشتند
بعد ازین در چمن نوا نکنند
پرفشانی و هوی و ها نکنند
شور ـ و ـ آوازه صدا نکنند
انجمن ها دگر بپا نکنند
شاعر باغ را نوا شد پست
ساز این بزم را سپهر شکست
باغ سرمایهٔ نشاطی داشت
چمن از سبزه خوش بساطی داشت
باغبان نیز انسباطی داشت
با گل سرخ اختلاطی داشت
برگ ریزان بساط واژون کرد

عشرت باغ را دگرگون کرد
باغ صحن مزار را ماند
مردم دل فگار را ماند
جگر داغدار را ماند
برگ ریزان شرار را ماند
آه آتش بخرمن گل شد
شعله در آشیان بلبل شد
یاد آن شب که ماه می رخشید
سبزه بر روی سبزه می غلتید
باد زلف بنفشه می بوسید
باغبان از نشاط می خندید
ماهتابی و نوبهاری بود
باغ را طرفه روز گاری بود
باغ مشکین و باد مشک آمیز
چرخ سیمین و ماه نور انگیز
خوش نسیم شبانه عشرت خیز
ساغر عیش باغبان لبریز
تخم هر گل که در چمن می کاشت
خرمن حسن و عشق بر میداشت

شام چون ماه رخ عیان می کرد
باغبان سیر بوستان می کرد
تکیه برشاخ ارغوان می کرد
از گل و لاله سایبان می کرد
آب شاران فسانه می گفتند
باد ها خوش ترانه می گفتند
صبح چون آفتاب سر میزد
باغبان دست در کمر میزد
دامن از بهر کار برمیزد
تاجی از ضیمران بسر میزد
او جوان بود و آب شار جوان
باغ سر مست و نوبهار جوان
دل ما نیز نوبهاری داشت
آرزو های بی شماری داشت
شاد و مسرور روزگاری داشت
در کف خویش اختیاری داشت
آه آندم که نوجوان بودم
سرو این تازه بوستان بودم
زندگانی چه طرفه طومار است

لا به لا ته به ته پر اسرار است
این معما چه سحر آثار است
حل این راز سخت دشوار است
ما ازین زندگی چه ها دیدیم
چه نشیب فراز ها دیدیم
یک دمش گرم نوجوانی ها
آرزو ها پر فشانی ها
یک دمش وقف نا توانی ها
نا امیدی و سر گرانی ها
زندگانی نبود غر دو دم
یکدمش سور و یکدمش ماتم
باغ بار دگر شود شاداب
غنچه ها باز لاله ها سیراب
باز زلف بنفشه گیرد تاب
باز تابد به سبزه ها مهتاب
بلبلان باز نقمه آغازند
باغبان ها بکار پردازند
لیک اگر بار ها نسیم سحر
بشکافد بباغ غنچهٔ تر
گر بیاید بهار ها بی مر
گر جهان زندگی کند از سر
ما ازین بوستان شدیم شدیم
پایمال خزان شدیم شدیم

پاکستان ته د سولې د عالي شورا د پلاوي سفر او لاسته راوړنې یې



شفیق

پاکستان ته د سولې د عالي شورا د پلاوي هغه سفر، د تیرې سه شنبې په ورځ ترسره شو چې د پاکستاني صدراعظم یوسف رضاء ګیلانی لخوا کابل ته د نوموړي د سفر پر مهال ددې شورا مشر استاد برهان الدین رباني ته یې بلنه ورکړې شوې وه.

د سولې د عالي شورا د پلاوي دغه سفر پداسې شرایطو کې ترسره کیږي چې د پاکستان حکومت له ګڼو ستونزو او نوي ماتم سره مخ شوی دی: ځکه له یوې خوا دغه حکومت له یوې اوږدې مودې راهیسې د پاکستان د ولس لخوا د نرخونو د لوړوالي پر خلاف احتجاجونو او ګوابښونو سره مخ دی، او له بلې خوا نوموړي د مولانا فضل الرحمن په مشرۍ د جمعیت العلماء د هغه ګوند له ملاتړ څخه بې برخې شو چې په مرکزي پارلمان کې یې اته څوکۍ لري او بیا دوه اونۍ وړاندې د کراچۍ د مهاجرو د قومي مومنټ له ملاتړ څخه بې برخې شو چې هغوی هم په مرکزي پارلمان کې ۱۷ څوکۍ لري او د دغو ګوابښونو لامله اوس په مرکزي پارلمان کې حاکم ګوند اکثریت له لاسه ورکړي چې په نتیجه کې یې اپوزیشن له مشر نوازشریف لخوا حکومت ته د سلب اعتماد د ډرکې څخه د بچ پاتې کیدو لپاره یوازې درې ورځې وخت ورکړای شوی وو چې د حکومتي ګوند د فعالې څیرې (د پنجاب د والي سلمان تاثیر) د رسالت د سپکوالي په جرم کې د اعدام د فیصله شوې سزا سره د مخالفت په ګناه د خپل محافظ ممتاز قادري لخوا د وژلو له ویر سره هم مخ شو او پدې سره حکومت له یو بل ګوابښ سره هم مخامخ شو.

چې د پورتنیو ګوابښونو او ستونزو سربیره د لبرال سلمان تاثیر وژل کیدو د سولې د عالي شورا د پلاوي د سفر مؤثریت نور هم له سیورې لاندې کړ خو بیا هم د سولې د عالي شورا د پلاوي لخوا د پاکستان د یوشمیر دولتي چارواکو او ځینو شخصیتونو او هم د افغانستان د اوسني دولت د وسله والو مخالفینو د یو لوري انجینر حکمتیار له نمایندګانو له هغه وفد سره سره لیدنې ترسره شوې چې په غیرت بهیر، قطب الدین هلال او دوه تنو نورو بانډې مشتمل وو.

د سولې شورا پلاوي د پاکستان د چارواکو له مینځه لومړي د بهرنیو چارواکو د وزارت له مسوولینو سره، بیا ددغه هیواد د لوي درستیز جنرال اشفاق کیاني او د ایی ایس ایی له ځینو مسؤلینو، شجاع پاچا او د جمعیت العلماء اسلام د بلې ډلې له مشر مولانا سمیع الحق سره د هغه په مدرسه اکوړه ختیک کې هم لیدنې وکړې چې د یو شمیر نورو لوړپوړو چارواکو سره لیدنې یې د سلمان تاثیر له وژنې لامله له لومړۍ ورځې څخه ځنډیدلې وې او بیایې په وروستۍ ورځ ترسره کړې، چې د پلاوي د یو تن ویناند مولانا کشاف د څرګندونو له مخې - چې د آزادۍ له راډیو سره یې کړې وې - پلاوي د خپل سفر څخه مطمئن ښکاریده ځکه نوموړي ویلې چې د رسنیو له مخې معلومه شوې چې د پاکستان لوري هم د یو پلاوي په جوړولو خوښې ښودلې او د حزب اسلامي له پلاوي سره د لیدنې پر مهال ورته یو پنځلس ماده ایز میثاق هم سپارل شوي چې مهم ټکي یې د بهرنیو ځواکونو د ویلو د کوټلي مهال ویش غوښتنه ده.

خو د افغانستان د دولت په وسله والو مخالفینو کې درې ډلې شاملې دي چې د افغانستان اسلامي حزب له هغو څخه یوه ده، د سولې د عالي شورا له پلاوي لخوا د دوه وو نورو ډلو؛ د طالبانو د تحریک او د مولوي جلال الدین حقاني د ډلو له کوم پلاوي سره بیا د سولې د شورا د پلاوي لیدنه نده ترسره شوې که څه هم د سولې د عالي شورا دغه سفر پداسې شرایطو کې ترسره شو چې لامله یې ښایې پلاوي ډیرې لاسته راوړنې ونلري؛ ځکه له یوې خوا واکمن ګوند د خپل ګوند د یوتکړه او خوله ور والي له وژل کیدو سره مخ دی او دهغه په ویر ژاړي او له بلې خوا په سیاسي ډګر کې د دغه ګوند پریکړې هم ډیرې د اعتبار وړ ندي ځکه ډیر نږدې ده چې پر خلاف یې په مرکزي پارلمان کې د نه باور تحریک وړاندې شي او حکومت یې له ړنګیدو سره مخ شي.

مګر داچې د پاکستان د قوانینو له مخې د نه باور تحریک پر مهال باید اپوزیسون هم د صدارت عظمی لپاره یو کاندید ولري خو د موجوده اپوزیسون هم په خپل مینځ کې اړیکې پخې او پخوانۍ ندي او کیدای شي چې د نه باور رایې پر مهال متعدد کاندیدان مینځ ته راشي چې د یو لوری لخوا هم د مطلوبو رایو د نه لاسته راوړلو په صورت کې به په پاکستان کې جمهوریت له ګوابښ سره مخ کیږي او اټکل کیږي چې پوځ یو ځل بیا واک لاس کې واخلي او یا د ځینو ګوندونو د غوښتنې له مخې د منځنۍ مودې ټاکنې ترسره شي او د افغانستان د دولت هغه هڅې چې د څو میاشتو راهیسې د دواړو هیوادونو د دولتونو ترمینځه ترسره شوې څو د سولې په لیار کې فاصله را لنډه کړي - ښایې بې نتیجې پاتې شي نو ځکه اړینه ده چې د ټولو احتمالونو په نظر کې نیولو سره باید د افغانستان دولت د پخواني صدراعظم نوازشریف او هم د پوځي چارواکو سره، پدې هکله متوازي وړاندې تګ وکړي. که د خلکو ګوند حکومت ړنګیږي چې له بدایلو سره یې هم له پخوا څخه اړیکې جوړې اوسي او بیا داسې نشي چې د سولې په لیار کې د هڅو سفر له سره آغاز نشي. او دا به هم یو معقول مؤقف وي چې د افغانستان دولت د سولې شورا د دغه پلاوي لخوا د سیاسي ابتکار په خپلولو سره هلته د مطرحو ګوندونو ترمینځه د نړیوال فشار په وړاندې د سیمې د ثبات او امنیت په منظور د جوړجاړي هڅه او اراده هم څرګنده شوې وي او پاکستاني چارواکو او مطرحو لوریو ته داسې ور ښودل شوې دي چې د سیمې دواړه ګاونډي هیوادونه یو بل ته د بحرانونو په وخت کې خیر خواه او ممد واقع کیدای شي.

همدارنګه د سولې د عالي شورا د پلاوي له دغه سفر څخه باید د لاسته راوړنو په لړ کې هغومره ضمع وشي څومره چې د پاکستان اوسنی دولت ته ورپېښ شرایط ایجابوي او دا سفر باید یو آغاز اوسي چې کیدای شي بیا بیا ترسره شي.

ځکه د افغانستان او پاکستان ترمینځه ستونزې او د روانې جګړې د مودې اوږدوالي دغه لانجه دومره کړکیچنه کړې چې هوارول یې د یو څو کنفرانسونو او یو سفر یا دوه سفرونو د وس خبره نده. د سولې د هڅو تلپاتې هڅې او ښه نیت یوازې هغه څه دي چې د سیمې د دواړو ګاونډیو هیوادونو ترمینځه اړیکې له یوې ورځې څخه بلې ته ښې کولای شي او بیا پداسې شرایطو کې چې د ایران هیواد لخوا پدې وروستیو کې د افغانستان سره اړیکې کړکیچنې شوي او ښایې د نفتو د لاریو نه راپریښودل، او د افغانانو د وژلو او راویستلو څخه مقصد هم افغانستان د پاکستان پرځای د ایران لخوا فشار ته تن کیښودلو ته اړویستل وي.

نو ځکه باید د وخت او شرایطو نزاکت په نظر کې ونیول شي او موجوده دولت د دوه زره څوارلسم کال په پورې په سیاسي بصیرت ولاړې پالیسۍ غوره او خپلې کړي.

هیأت شورای عالی صلح، سفر خود ...

سخنگوی وزارت خارجهٔ پاکستان روز پنجشنبه گفت که این توافق در نتیجهٔ گفتگوهای هیأت شورای عالی صلح افغانستان، در اسلام آباد صورت گرفته است.

عبدالباسط سخنگوی وزارت خارجه پاکستان گفت که نماینده گان دو کشور در ماه های آینده در این جرگه گرد هم می آیند.

مولوی عطاالله لودین معاون شورای عالی صلح افغانستان در تماس با رسانه ها گفت: تدویر جرگهٔ صلح از سوی هیأت افغانستان پیشنهاد شده بود.

به گفتهٔ لودین هر دو طرف روی موضوع افتتاح نماینده گی سیاسی طالبان در استانبول بحث نمودند. طرح گشایش چنین یک نماینده گی، چندی پیش از سوی حامد کرزی رییس جمهور افغانستان هنگام اجلاس سران کشور های افغانستان، ترکیه و پاکستان پیشنهاد شده بود.

باز دید هیأت شورای عالی صلح افغانستان از پاکستان مرحلهٔ جدیدی است با هدف نزدیکی و حمایت اسلام آباد از تلاش های صلح باگروه طالبان صورت می گیرد.

انتخاب پاکستان با این هدف وسفر هیأت شورای عالی صلح به یک کشور خارجی از آن جا ناشی می شود که موقعیت جغرافیایی و قصد این کشور، با حیات و سرنوشت جنگی و شاید هم سیاسی گروه شورشی طالبان گره خورده است.

تلاش های صلحجویانه در حالی صورت می گیرد که جنگ در افغانستان و ارد سال دهم شده و نیروهای امریکایی و ناتو می خواهند شماری از عساکر خود را امسال از افغانستان خارج کنند.

طی این سفر هیأت شورای عالی صلح با نمایندگان حزب اسلامی نیز در اسلام آباد ملاقات نمودند، غیرت بهیر یکی از نماینده گان حزب اسلامی که در گفتگوها حضور داشت به رسانه ها گفته است که موجودیت نیروهای خارجی در افغانستان یک انگیزه برای ادامهٔ جنگ می باشد و تا زمانی که این نیروها از افغانستان خارج نه شوند، نمی توان توقع تأمین صلح و امنیت را در افغانستان داشت.

رئیس جمهور افغانستان که در چند سال اخیر پاکستان را همواره به حمایت از شورشیان متهم می کرد، سعی دارد اسلام آباد را در پروسهٔ صلح شریک سازد.

به پیشباز رهیدگی!

ادامه از صفحهٔ اول

آری! او، از سوزی که برای متألم شدن و در نهایت گریستن از نا ملائمات فراخوانَد، بی بهره است؛ از آن رو هر گز نمی داند:

خوش عشرت است دمبدم از غم گریستن
در زندگی چو شمع پی هم گریستن!

برده، گرفتار غم بیدردیست، غمی که برای امروز زندگیش ذلت و برای فردای حیاتش مصیبت، بار می آرد.

آهنگ، یا به تعبیربهتر، انکرالاصواتی که از حنجرهٔ مزدور یا غلام بیرون می شود، صوتی نیست الّا هنگامهٔ مرگ او! یا به قول اقبال "رح" : نغمهٔ موت او، مرگ یک شهر است اندر ساز او!

حینی که اراده از کف رفت و آدمی نتوانست بجنبد مگربه ارادهٔ ارباب، وهستی در گرو امر و نهی و دساتیر بادرفتاد و حلقهٔ غلامی در گردن شد، گوهرجان از پیکر آن جدا گردد:

در غلامی تن ز جان گردد تهی
از تن بی جان چه امید بهی
ذوق ایجاد و نمود از دل رود
آدمی از خویشتن غافل رود
چشم او بر رفته از آینده کور

چون مجاور رزق او از خاک گور
طایر دانا نمی گردد اسیر
گرچه باشد دامی از تار حریر!

اقبال همچنان وقتی که می سراید:

زنده و بی جان چه راز است این نگر
با تو گویم معنی رنگین نگر
مردن و هم زیستن ای نکته رس!
این همه از اعتبارات است و بس!

به مفهوم آنست که :

« [باید] زندگی و زندگانی را در خیل مردگان بی خبر از مرگ خویش، جستجو کرد و این حقیقت را در باور شان نشاند که: شما زنده نیستید. هرگز زنده نبوده اید، اصلاً متولد نشده اید که بمیرید. و تا متولد نشوید و مرگ خویش را باور نکنید و به بطالت روز هایی که موریانه وار به قلب فرصتتان راه یافته و دارد امکان های زندگی بالقوهٔ تان را می جود، وقوف و ایمان نیابید، به زندگی نخواهید رسید و برای تولد نیافتگان، هراس از مرگ بیهوده و ابلهانه است.»

قرآن می فرماید:

«برای آگاهی زندگان است که تو را بر می انگیزیم» در این بیان الهی – چنانچه نویسندهٔ اثرگرانسنگ « پیغام زخم» برآنست- باید به عمق حقیقت راه یافت و به این باور رسید که هر تنفس کننده و راه رونده و زبان گشاده ای زنده نیست و با زنده خواندن شان نباید حرمت «زندگی» و «زندگان» را شکست.

ازثقلت خجلت و خباثتِ زنجیرغلامی است که روح، باری گران برتن می شود و قلب در پیکرمزدور می میرد:

از غلامی دل بمیرد در بدن
از غلامی روح گردد بار تن
از غلامی ضعف پیری درشباب

از غلامی شیرغاب افگنده ناب
از غلامی مرد حق زنأر بند
از غلامی گوهرش نا ارجمند
کور ذوق و نیش را دانسته نوش
مرده ای بی مرگ و نعش خود به دوش
آبروی زندگی در باخته
چون خران با کاه وجو درساخته!

غلام یا برده کسی است که روح نا آگاهی و جاهلیت بر وی تسلط دارد. او از هیچ اراده ای برخوردارنیست، ضمیرش متعفن است و روحش بویناک، ارزش ها و معیار های آن به هم ریخته، یعنی بندگی و اسارت بر اراده و اندیشه و زندگانیش یکقلم حاکم گشته؛ نمی داند که ارزش های جاودانی – خاصه ارزش های اسلام- کدام ها اند؟ بصیرت وبینش چیست؟ قانونمداری واحترام به حقوق بشر چگونه میسرمی شود؟ ترقی وتکامل چه زمانی به بارمی نشینند؟ علونفس چه تعریفی دارد؟ دفاع ازحق علیه باطل، عدم تجاوز، دادن سرنوشت به دست خود مردم ومبارزه بافساد ومبارزه بابدی ...چگونه متحقق می شوند؟ وبالاخره ایمان به معاد ومحاکمه خداوند در آخرت، چسان شکل می گیرد...؟

لذا او را توانِ آن نیست تا به منبعی متوسل گردد که ساختن جهانی برپایه های عفت، پاکی، سازندگی، مثبت اندیشی، آزادی و تجدد و شناخت و یقین، ایمان و اعتقاد، عدالت و کرامت و جهت رشد و ترقی زندگی... را، تضمین می کند.

آری!نا آگاهی، به قول شهید سید قطب، رنگ و قالب روح و فکر خاصی است که به محض فرو ریختن ارزش های اساسی زندگی بشری و مورد خواست خداوند بروز می کند و به جای آن ها ارزش های ساختگی متکی بر شهوت های عارضی، می نشیند.

به قول این متفکر بزرگ: « آنچه امروز آدمیزاد در وضعیت نهایی پیشرفت از آن رنج می برد، همین است و آنچه دیروز در وضعیت اولیهٔ جاهلی از آن رنج می برد، نیز همین بود!»

***

هیچکس منفعل طینت بی درد مباد:

وآینهم تفسیری ازدرد که قلم می خواهد نگاهی گذرا ازوی نیزداشته باشد:

آری درد، هدیهٔ گرانبهائیست که بخت برای صاحب آن ارزانی داشته...!

دارندهٔ این خامه را باوربراینست: چه زشت بود اگراینش نمی دادند؛ زیرا، آنگاه متهم می شد که از جمع بیدردان است و درست مصداق این گفتهٔ حضرت ابولمعانی "رح":

نه اشکی زیب چشمانم، نه آهی بال افغانم
تپیدن هم نمی دانم، دل بی درد را مانم

و آندم غمی پیدایش می گشت از جنس غمی که « آدمی را می خورد» و ذوق آزادی را می بُرد!

آخر؛

به بیدردی در این عالم چه لازم متهم بودن؟

پس درد باید خواست و سوز باید جُست که «اینها» مطلوبِ جگر سوختگان است...، خواستهٔ آنانی که « یک زخم به صد صبح تبسم نفروشند!»

به دلیل این که دردِ محبت را دریافته اند وفهمیده اند که درد مندی آئینه دار عزت و ارجمندیست. و تصوریست که جایگاه انسانیت را ارائه می دهد وبربلندای ستیغی نشسته است که آنجا را گذری جزبرشریفان وآزادگان با ایمان نیست !

...و دردمندی، ابزاریست از بهر تلاش و تپیدن و همگام با او خود را به منزلگاه مقصود رسانیدن!

و به عبارت دیگر: فراز شدن به معراج شرف، وقار و نعمت عظمای آزادی و سر بلندی!

بیدل را نیکو سخنی است اندرین باب:

عروج عالم اقبال زندگی درد است
نفس عالم دیگر شود چو آب شود

پس بی درد نباید زیست، چون طینتی را که اسیر دام بی دردیست، حاصل زندگی براو، اوجِ شرمندگیست!

شرم بیدردی عرق می خواهد ای بیدل مباد
بی نمی ها دیده را محتاج پیشانی کند!

دردمندان، در بلند ترین قلهٔ هستی می زیند، ولی بی دردان، در عمیق ترین مزبلهٔ تاریخ.

و ازهمین رو است که« انسان در نعرهٔ بی رحم « بدی» و فریاد صاعقه وار «خوبی» به درد می نشیند و چله درد، چلهٔ اشک، چلهٔ خون و چله سکوتی پس از توفان و آرامشی پیش از توفانی دیگر، آغاز می شود.»

پس زبان درد را باید فهمید ؛

غافل از فهم زبان درد بودن شرط نیست

ناله هم هر چند باشد دل کسل باید شنید

گداز از چشم انداز دردمندان، بخشندهٔ فیض است. از همین روست که ابوالمعانی آنرا نسخه ای برای بیماری غفلت وا نمود می کند:

به رفع تهمت غفلت گداز درد سامان کن
که دل تا خون نگردد از فسردن بر نمی آید.

پس نمی شاید، غبار آلود بی دردی بود.

هیچکس منفعل طینت بی درد مباد
مژه ای را به نم آرید و عرق پاک کنید

***

نقض قانون اساسی از سوی حاکمیت...

مؤظف بر نظارت از قانون اساسی در کابل بتاریخ ۱۴ جدی برگزار گردید.

در این همایش مقام های دولتی از جمله شخص رئیس جمهور و رهبران جهادی اشتراک نموده بودند. حامد کرزی رئیس جمهور قانون اساسی موجود را یک قانون مناسب توصیف کرد و گفت که از هفت سال به این طرف برای تطبیق آن تلاش های زیادی از سوی دولت صورت گرفته است. رئیس جمهور کشور افزود که خارجی ها در راستای تطبیق قانون اساسی این کشور مداخله می کنند. وی از آنها خواست در تطبیق و پیاده کردن این قرارداد اجتماعی از مداخله دست بردارند.

رهبران جهادی هریک استاد برهان الدین ربانی، حضرت صبغت الله مجددی و شیخ آصف محسنی در آن محفل سخنرانی نموده خواهان تطبیق قانون از سوی حکومت و مردم در عمل شدند.

مجددی رئیس مشرانو جرگه تصریح کرد که قانون اساسی را طی هفت سال گذشته از شاه تا گدا نقض نموده است.

درهمین حال شماری دیگری از آگاهان امور، مقامات حکومتی را به نقض قانون اساسی متهم کرده، معتقد اند که نقض قانون، مصئونیت سیاسی و اجتماعی را در کشور با خطر مواجه ساخته است.

سید حسین عالمی بلخی نمایندهٔ مردم در مجلس نمایندگان می گوید: قانون اساسی طی هفت سال گذشته در موارد متعددی نقض شده است که این روند باعث شده تا روحیهٔ قانون شکنی، قانون گریزی و افزایش فساد در کشور سیر صعودی داشته باشد. بلخی با اشاره به موارد نقض قانون از سوی رئیس جمهور اشاره نموده افزود، موارد نقض قانون در تصمیم گیری های رئیس جمهور از جمله، تمدید دورهٔ کاری خودش برای چند ماه از سوی دادگاه عالی در سال ۱۳۸۸، حمایت از وزاریی که از سوی مجلس به دلیل عدم کفایت رد صلاحیت شده بودند، عدم معرفی وزراء برای اخذ رأی اعتماد، نگهداشتن آنها به حیث سرپرست، تأخیر در تشکیل کمیسیون نظارت بر قانونی اساسی که وظیفه نظارت قانون اساسی را دارد، از مواردی بود که درآن قانون اساسی از سوی شخص رئیس جمهور طی چند سال گذشته به شکل واضح و آشکار نقض شده است.

یکی از وظایف اساسی حکومت حراست از قانون اساسی می باشد، دولت افغانستان منحیث محافظ از قوانین کشور نتوانسته است به طور قطع از مفاد قانون در کشور حمایت نماید و در موارد زیادی این قانون از سوی نهاد های حکومتی نقض شده است.

نجیب محمود استاد دانشگاه کابل، ضمن بر شمردن نقض قانون اساسی از سوی مجریان قانون یکی از چالش های عمده را در رابطه با نقض قانون، نبود ویا کمبود نیروی متخصص در نهادهای عدلی و قضایی و شماری دیگری از ادارات دولتی خواند.

این استاد دانشگاه گفت، از قانون شکنی عدهٔ ازآدم های سود جو نفع می برند. درصورتی که برای مردم آگاهی بیشتر از قانون داده شود و در نهادهای عدلی و قضایی افراد آگاه از قانون جا به جا شود، انتظار می رود که در کوتاه مدت این روند کاهش یابد.

اما این که چرا قانون اساسی به طور گسترده از سوی دولتمردان و مردم نقض می شود، بستگی به چند عامل دارد:

حکومت به خاطر حفظ منافع مقطعی، قانون را گاه گاهی وسیله قرار داده به نفع خود تأویل وتفسیر می کند و در برخی موارد دیده شده است که صریحاً نقض نموده است.

اما مردم عام، به دلیل بی خبری از قانون عدم درک و هضم قانون و همخوانی نداشتن قانون با مسایل پیرامونی شان از خط های قرمز قانونی عبور نموده اند.

قانون اساسی فعلی دارای ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده است که در جریان حاکمیت دولت انتقالی، به تاریخ ۱۴ جدی ۱۳۸۲ هجری شمسی از سوی نماینده های مردم در خیمه لویه جرگه در کابل، تصویب شد و سپس از سوی رییس جمهور کرزی توشیح گردید.

کودکان کشور از مادر شریر به دنیا نیامده اند، بلکه نا برابری های اجتماعی، آنان را به هر سو می کشاند



اندیشه

یکی از اهداف کشورها آوردن رفاه و آسایش برای شهروندان است. هر شهروند اعم از بالغ و نابالغ دارای حقوق و وجایبی در جغرافیایی که زندگی می کند، می باشند.

دولت ها مکلف اند برای تأمین نیازمندی های زندگی مردم، تلاش های گسترده ای را در سطوح معیشتی مردم به راه اندازند.

اطفال که بخشی آسیب پذیر در جامعه می باشد، نیازمند توجه جدی خانواده ها و حکومت هستند.

به اساس گزارش های نشر شده وضعیت زندگی اطفال در افغانستان نگران کننده خوانده شده است.

وزارت کار وامور اجتماعی در گزارش اخیر خود گفته است که بیش از ۶ میلیون کودک در معرض خطر جرایم جنایی قراردارد.

مقامات وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین هشدار داده اند که اگر به مشکلات اطفال در افغانستان توجه نشود، طی سال های آینده شاهد به دام افتادن شش میلیون طفل به باندهای خطر ناک و ما فیایی خواهیم بود.

اکنون سوال این جاست در شرایطی که افغانستان را خطر تروریزم، تریاک، فقر ... تهدید می کند، با پیوستن اطفالی که همین اکنون در معرض تهدید خطر قرار دارند. در سال های بعد چه بلاهایی که بر سر این ملت نخواهد آمد.

بزرگان گفته اند " هر چیز را آفتی است، و هر آفت از بطن همان چیز بر می خیزد" بدون شک اگر به بحران های داخلی افغانستان نگاهی عمیق داشته باشیم، طی سه دهۀ خیلی از بلاهایی که امروز دامنگیر مردم افغانستان است، بخش عمدۀ این ها در دامن همین سرزمین پرورش یافته اند.

اطفال را ضعیت مادران شان شریر به دنیا نمی آورند، بلکه این جامعه است که آنها را به انحراف می کشاند، و درد سر برای سایر مردم می شوند.

دولتمردان خود اعتراف می کنند که فقر یکی از راه هایی است که اطفال افغانستان را به دام مافیا می اندازد و در نهایت مرتکب اعمال ناشایست می گردند.

این اعترافات در حالی صورت می گیرد که دولت افغانستان برنامۀ فقر زدایی را برای اطفال و خانواده های آنان ندارد.

فقر انسان را به هر جا می کشاند، به اساس حدیث پیامبر اکرم که فرمونند" الفقر سواد الوجه الامۀ" یعنی فقر سیاهی روی امت من است. بدون شک اطفالی که در دامن خانواده های فقیر زندگی می کنند، با دیدن ناز و نعمت یک عده، از خون و سرمایۀ ملت تغذیه می شوند، غبطه می خورند و در نهایت دست به کار های ناروا می زنند.

نگرانی مسوولان از خطر افزایش ارتکاب جرایم توسط کودکانی که عامل آن بیکاری، قانون شکنی، مواد مخدر، دانسته شده است، در حالی صورت می گیرد که نهاد های مدافع حقوق اطفال برای خانواده هایی که آسیب پذیر اند، زمینه های اشتغال و کار آفرینی را مهیا نکرده است.

طی سال های اخیر مردم افغانستان شاهد (انجویزم) بودند، از آن جایی که اگر به وزارت اقتصاد که مسوولیت ثبت انجوها را دارد سر زده شود به دها مؤسسه در آن جا ثبت است که در راستای تأمین منافع و حقوق کودک کار می کند.

اما متأسفانه در عمل دیده شده است که کار در خور ستایش صورت نگرفته و اینک بیش از ۶ میلیون طفل هنوز در معرض خطر جرائم قرار دارد.

وقتی در جاده ها راه می روید، در هر ده قدمی طفلی را می بینید که دست تکدی گری را به سوی عابرین دراز می کنید.

اسپندی های شهر و پالش کننده های بوت ها نیز اطفال معصوم این کشور هستند، اطفالی که باید درس بخوانند و آیندۀ مملکت را بسازند در جانکاه ترین شرایط زندگی قرارداشته از صبح تا به شام در پی در یافت یک لقمه نان هستند.

نابرابری های اجتماعی زندگی ۶ میلیون طفل را جهنمی ساخته است، جنگ ترور و انتحار شیرازۀ زندگی را از هم پاشیده است، اطفال کارگر از روی ناچاری به جاده ها می برآیند، تا برای پدر و مادر پیر و یا معلول خود چیزی به دست بیاورند.

به اساس گزارش های نشر شده، اطفالی که در خیابان ها به دنبال لقمه نانی سرگردان اند و یا در برخی از موارد مصروف کارهای شاقه در کارخانه ها، ورکشاپ ها، ... می باشند در محل کار در معرض تجاوز جنسی افراد مسلح و لمپن های بی وجدان قرار گرفته اند.

تجاوز گاه گاهی از سوی کارفرمایان و یا هم افراد ویلگرد که در حاشیه های آنان زندگی می کنند صورت گرفته است.

وقتی به ریاست جنایی وزارت امور داخله سر زده شود به ده ها مورد از این گونه جنایت ها ثبت شده و در عین حال بسیاری از این گونه قضایای دلخراش افشا ناشده باقی مانده است.

گزارش وزارت محترم کار در حالی نشر می شود که نهاد های دولتی برای بهبود زندگی اطفال برنامه های حقوقی را تنظیم نه نموده است.

براساس گزارش سالانه سازمان ملل، کشورهای افغانستان، سومالیا و جمهوری دموکراتیک کنگو نقض کنندگان مهم حقوق اطفال در جهان می باشید. در این گزارش آمده است: بدون شک در حال حاضر کودکان افغانستان که آینده سازان این مملکت هستند در حالت بدی قرار دارند و تا کنون برای اطفال هیچ برنامۀ مفیدی پیرامون بهبود زندگی و تضمین آینده و آموزش و پرورش آنها صورت نگرفته است. این مسوولیت دولت افغانستان و نهادهای حقوق بشر است که این حقوق را رعایت نمایند. .همچنین نهادهایی که در راستای کمک به اقشار مستضعف فعالیت دارند، مؤظف اند کارهایی را برای بهبود زندگی کودکان انجام دهند و آنها را از انجام کارهای طاقت فرسا نجات دهند.

چالش ها فرا روی کودکان افغانستانی کم نیستند، متأسفانه میراث به جای مانده برای فرزندان افغانستان، فقط جنگ و خشونت و ویرانی می باشد. گویا تاریخ این کشور با آشوب ها و خشونت ها و استبداد عجین شده است، فرزند افغانستانی نسل مظلوم و ستم کشیده ای هستند که در دامن جنگ تونند یافته و از زندگی جز خشونت و به خون غلطیدن انسان ها تجربه دیگری ندارند و با دستان کوچک خود با مشکلات زیادی دست و پنجه می کنند.

بحران خشک سالی و ...

و پارلمانی بیشتر گردیده و کشور یک بحران جدید سیاسی را تجربه می کند. از سوی دیگر بی کفایتی کار گذاران دولت در وزارت های سکتوری وسیله یی است که مردم را از دولت فاصله می دهد.

بحران عمیق سیاسی و اجتماعی مردم را در برابر حکومت بی باور ساخته است؛ زیرا عناصر ملی، دلسوز و آگاه به جغرافیای سیاسی افغانستان کمتر مجال می یابند تا تجربه های علمی و ملی خود را به کار ببندند و در رده های دولت مجال کار برای آن ها میسر گردد.

موجودیت قوت های خارجی موجب حساسیت های بیشتر کشورها همسایه گردیده است. این حساسیت های بیشتر از همه مردم افغانستان را قربانی می دهد. مردم افغانستان در این بازی های استراتیژیک میان امریکا و متحدانش و کشورهای همسایۀ افغانستان متضرر گردیده اند. امروز مردم کشور نه تنها از نبود امنیت رنج می برند؛ بلکه از وضعیت بد اقتصادی نگران می باشند.

در صورتی که دولت ذخایر استراتیژیک خود را در مناطق و ولایات آسیب پذیر هرچه زودتر ایجاد ننماید و از تدابیر پیش گیرانه استفاده نکند و برنامۀ مشخصی را در صورت بروز خشکسالی و حوادث طبیعی روی دست نگیرد افغانستان یک بحران انسانی و فاجعۀ بشری دیگر را پیش روی خواهد داشت. باید بپذیریم که اعتماد مردم نسبت به عملکرد دولتمردان افغانستان و حامیان خارجی آن با گذشت هر روز کمرنگ تر می شود. فساد اداری، فریب، قومگرایی، رشوت، اختلاس، بی قانونی پس از دور دوم انتخابات ریاست جمهوری که با تقلب گسترده همراه بود، هر روز چشمگیر تر می شود.

بر بنیاد آخرین پرسش هایی که از سوی یک نهاد بین المللی موسوم به گروه بحران در راستای وضعیت امنیتی افغانستان در طول سال های ۲۰۱۰ صورت گرفته، نسبت به سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، بیست و پنج الی سی و یک درصد وضعیت امنیتی بدتر گزارش داده شده است. وضعیت زندگی مردم نسبت به سال های گذشته بدتر شده، فقر و بیکاری روز تا روز بیداد می کند.

آخرین بررسی های نهاد بین المللی شفافیت حاکی از آن است که افغانستان در سطح بلند فساد و فقر گسترده قرار داشته است. این ها و عوامل دیگر، یکجا با خشم طبیعیت بسیاری از مردم افغانستان را در زیر خط فقر قرار داده و خشکسالی کشور را تهدید می کند. در صورتی که برنامه های منظم و بودیجۀ مشخص در صورت بروز عوامل غیر مترقبه در کشور ایجاد نگردد و مناطق فقر زده و مهاجرین داخلی را تحت پوشش مواد غذایی قرار ندهد، بدون شک یک فاجعۀ انسانی در راه خواهد بود.

یک چنین نگرانی در شرایطی در افغانستان به وجود آمده است که همزمان با قیمت مواد غذایی، قیمت نفت و گاز در شهرها بلند رفته و بسیاری از سکتورهای خصوصی وظایف تولیدی خوذ را از دست داده اند؛ طوری که در هفته های اخیر نظر به احصائیه اتاق تجارت افغانستان ۴۵۰ فابریکه تولیدی در هرات، قندهار، شهر کابل و سایر ولایات نسبت بلند بودن قیمت برق تعطیل گردیده است که بیشتر از ۱۰۰۰۰ کارگر را بیکار گردانیده است.

بیکاری و عدم اشتغال کشور را به پرتگاه اقتصادی کشانیده است. روزی نیست که فاجعه یی انسانی را در مورد جوانانی که به خاطر کار به کشور ایران سرازیر می شوند رسانه های دولتی به نشر نرسانند. این حقایق تلخ حاکمیت پس از ۱۱ سپتمبر و سرازیر شدن میلیاردها دالر به این سرزمین است که مردم با پوست و گوشت خود آنرا لمس می کنند.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما به جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نیکوکاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و پنجم ۱۸جدی ۱۳۸۹   ۲ صفر المظفر ۱۴۳۲ - 8 Jan 2011

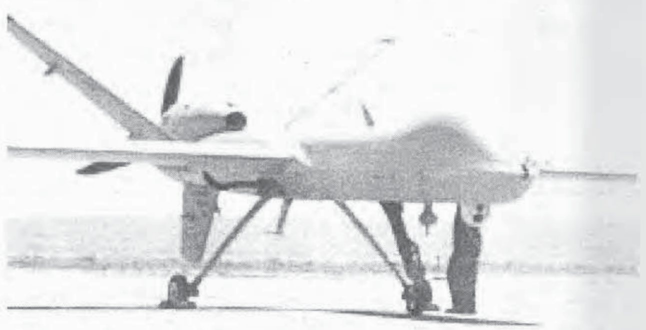
● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

رفیق بحر

په قبایلي سیمو باندې د بې پیلوټه الوتکو د گوزارونو ډیروالی



دوه کلونه وړاندې چې کله د اوبامه واک ته د رسیدلو پر مهال نوموړي په سیمه کې د جگړې لپاره خپله ستراتیژي اعلانوله نو هغه مهال د پاکستان هیواد په قبایلي سیمو باندې د ډرون د بې پیلوټه الوتکو د توغندیو وریدلو لړۍ، نوې پیل شوې وه او د نوموړي د ستراتیژۍ یوه برخه دا وه چې د ترورېزم (!) پر خلاف جگړه به له افغانستان څخه بهر د پاکستان پولو ته هم ورسي چې مقصد ورڅخه په قبایلي سیمو کې د دښمن پسې پورې وتل او هلته په نبنه کول وو. څو د مخالفینو د خواکونو جرړي ختمې کړي او پدې سره القاعده او دهغوی پلویان مات کړي خو د دوه وو کلونو په تیریدو سره هم امریکا ونشو کولای چې د ترهگرۍ (!) پر خلاف روانه جگړه وگټي او جگړه له سیمې ختمه کړي. تر دې چې یوازې د روان میلادي کال له پیل څخه تر دا مهاله موده کې د دغو بې پیلوټه ضیارو د غنچکي بریدونو شمیر له څلور سوو څخه هم لوړ شو او پدې وروستیو کې خو د امریکې د ولسمشر د معاون ((جوبیدن)) د څرگندونو له مخې دوې غواړي چې د پاکستان د خاورې دننه خپل پیاده پوځونه هم دننه کړي او په مخالفینو باندې بریدونه زیات او تیز کړي چې په خواب کې یې په امریکې کې د پاکستان سفیر   ۶مخ



بحران خشک سالی و پیامد های آن

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

یکی از اهداف مهم کشور ها در جهان توسعهٔ اقتصادی و رفاه اجتماعی است؛ افغانستان جزء جامعهٔ جهانی می باشد و این کشور حق دارد که در یک توسعهٔ اقتصادی و رفاه اجتماعی زندگی کند. اوضاع سیاسی، اجتماعی و عوامل مختلف آن افغانستان را به فقیر ترین کشور های جهان تبدیل کرده است.

سطح درآمد پائین خانواده ها و موجودیت بیشتر انسان ها در زیر خط فقر، امروز از جمله نگرانی های جامعه جهانی نسبت به این کشور است. امروز اکثر معضل های موجود در کشور را ناشی از عقب ماندگی و ضعف شدید اقتصادی می دانند: از همین رو نبود توسعهٔ اقتصادی و عقب ماندگی اقتصادی از جمله مشکل اساسی در افغانستان می باشد.

امروز در افغانستان وضعیت اقتصادی از یک ثبات و قدرت کافی برخوردار نیست و نمی تواند جوابگوی نیازمندی های مردم باشد؛ بحران های مختلف سیاسی، اجتماعی، داخلی، جنگ، نبود حکومت کارا، دلسوز و ملی از جمله عواملی اند که فشار زندگی را بالای مردم بیشتر ساخته است.

امروز جامعهٔ جهانی از یک خشکسالی شدید در افغانستان خبر می دهد. در حالی که سازمان های بین المللی هفت میلیون انسان را در زیر خط فقر نشان داده است. در سرسر افغانستان امروز ریزش برف و باران رحمت خود را از مردم دریغ داشته است؛ به ویژه شمال کشور که ذخیره گاه استراتیژیک مواد غذایی در کشور است، از فصل خشکسالی رنج می برد. همین اکنون قیمت مواد غذایی به طور سرسام آور در مناطق مختلف افغانستان بلند رفته است و مردم تهیدست و دامدار در یک نگرانی شدید به سر می برند. مردم به این باور اند که احتمال یک فاجعهٔ انسانی در راه است، خشونت طبیعت، خشکسالی بی رویه، نبود دولت سالم، گسترش جنگ به شمال، جنوب و شرق کشور، نبود شفافیت در توزیع عادلانهٔ کمک های جامعهٔ جهانی، در ماندگی ناتو و ایساف در برابر مخالفان دولت و سایر عوامل سیاسی و اجتماعی، می تواند به سرعت این فاجعه در آینده بیفزاید.

کمبود ذخایر استراتیژیک مواد اولیه از جمله مواد غذایی، انرژی، سوخت، تخم بذری، کود کیمیاوی هم اکنون تاثیرات بد خود را بالای مردم افغانستان گذاشته است. در یک چنین وضعیت انسداد اقتصادی کشورهای همسایه ورود مواد سوخت و غذایی را به روی مردم کابل بسته است که در گام نخست این مردم افغانستان اند که از این بندش های اقتصادی که در مرزهای کشور وجود دارد رنج می برند. این ها همه بر وخامت اوضاع اقتصادی اثر گذاشته است.

اعتماد مردم افغانستان طی سال های اخیر به ویژه بعد از انتخابات دور دوم ریاست جمهوری ص۷

رئیس محکمه خاص انتخابات،

از احتمال بروز وضعیت ناگوار در قبال فیصلهٔ شان خبر داد

مصباح شعیب

اعضای محکمهٔ اختصاصی برای رسیدگی به دعاوی حقوقی و جرمی نامزد کاندیدای معترض دور دوم انتخابات مجلس نمایندگان روز سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته با تعدادی از کاندیدای معترض دیدن نمودند. اعضای این محکمه برای معتضرین وعده داد که به عرایض شان به صورت شفاف رسیدگی می نماید.

رئیس این محکمه همچنان در قبال این بررسی از وضعیت ناگواری که احتمالاً پیش خواهد آمد نیز، خبر داده گفته است: « با کمال احترامی که به کمیسیون مستقل انتخابات دارم به این کمیسیون و به کمیسیون شکایات انتخاباتی می گویم، در صورتی که محکمهٔ اختصاصی در مورد این انتخابات فیصله کند و به تعقیب این فیصله وضعیت ناگواری در کشور به وجود بیاید، مسوولیت آن به دوش کس و یا کسانی خواهد بود که مرتکب جرم شده اند، خواه افراد حکمی باشند و یا هم حقیقی.»

در حالی که این محکمه کارش به جایی نرسیده و هنوز در آغاز راه قرار دارد، چنین پیش داوری که امکان دارد وضعیت ناگواری را در پی داشته باشد، آشکارا نشده است که چنین اخطاریه ها متوجه چه کسان و نهادهایی خواهد بود؟

پشت پردهٔ این همه به چالش کشیدن ها و تنش های انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان هرچه باشد، مردم افغانستان به تصمیم این محکمهٔ را انتظار می کشند تا دیده شود به چه خواهد انجامید.

در حالی که نامزدان معترض از تشکیل محکمهٔ خاص استقبال کرده اند و گفته اند که به تصامیم آن پای بند اند، اما فیصله به ضرر هرکسی - چه برنده و چه بازنده و معترض - تمام شود، در صورتی که قوتی داشته باشند، آواز شان را بلند و حتی این محکمه را هم به ناکارآیی و مداخلهٔ داخلی و خارجی متهم و بازار مطبوعات را گرم خواهند ساخت.

در حالی که محکمهٔ اختصاصی تاریخ پایان کارش را اعلام نکرده است، کاندیدا های معترض خواستار آن شده اند تا زمان فیصلهٔ این محکمه، شورای ملی افتتاح نگردد. و این در حالیست که قبلاً سخنگوی رئیس جمهور تاریخ افتتاح پارلمان را ۳۰ جدی اعلام داشته بود.

فضل احمد معنوی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات نیز در پی تنش های انتخاباتی گفته بود، در صورتی که جنجال ها بر سر انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان متوقف نشود، این جنجال ها بحران تازه ای را در کشور خواهد آفرید. که در همان روز از سوی ریاست جمهوری رد گردید و وضعیت وارده را ناشی از دموکراسی در کشور وانمود شد. اما در رابطه به اظهارات رئیس محکمهٔ خاص تا هنوز از سوی ریاست جمهوری ابراز نظری نشده است.